

شقایق بهانوی هنرمند گرافيست و نقاش جزيره در گفت و گو با اقتصاد کيش؛

حال و هوای روزمره زندگی در جزیره کیش برای من الهام بخش است

گفت و گو: فرناز مقدسی

■ اقتصاد کیش – اگر بخواهم از مهم‌ترین منبع الهامم بگویم، بدون شک دریا را نام می‌برم. دریا با عمق بی‌پایان، رنگ‌های زنده و تغییرات مداومش، همیشه حس تازگی و زندگی را در من بیدار می‌کند. صدای امواج، بازی نور روی آب و حس آزادی‌ای که دریا به من می‌دهد، در بسیاری از آثارم بازتاب پیدا کرده است. علاوه بر این، طبیعت، فرهنگ و حتی حال‌وهوای روزمره زندگی در جزیره کیش نیز الهام‌بخش من هستند. کیش برای من نه‌فقط یک مکان، بلکه منبعی بی‌پایان از الهام است. رنگ‌های زنده دریا، بازی نور روی امواج و حس آرامشی که در این جزیره جریان دارد، در بسیاری از نقاشی‌هایم بازتاب پیدا کرده‌اند. حتی جزئیات کوچک مانند بافت مرجان‌ها یا رنگ‌های بازارهای محلی کیش، در آثارم حضور دارند و به آن‌ها هویتی منحصربه‌فرد بخشیده‌اند. آنچه از نظر گذشت بخشی از گفت و گوی ما با شقایق بهانوی هنرمند گرافيست و نقاش جزیره است.

هنر نه‌فقط یک حرفه، بلکه راهی برای زندگی و بیان عمیق‌ترین احساساتم است.

چه عاملی شما را به سمت این رشته هنری سوق داد و مشوق اصلی شما چه کسی بود؟

علاقه‌ام به هنر از همان کودکی در من ریشه دوانده بود. رنگ‌ها،



خطوط و تصاویر همیشه برایم مانند زبانی بودند که می‌توانستم با آن بدون نیاز به کلمات حرف بزنم. این حس درونی چنان قوی بود که نیازی به مشوق خارجی نداشتم؛ گویی هنر خودش مرا انتخاب کرد. بااین حال، می‌توانم بگویم که معلمان دوران کودکی‌ام که تشویق می‌کردند تا نقاشی‌هایم را ادامه دهم و بعدها استادان دانشگاه که دیدای گرافیک را به من معرفی کردند، نقش مهمی در شکل‌گیری این مسیر داشتند. اما در نهایت، این اشتیاق درونی و نیاز به خلق کردن بود که مرا به این راه کشاند. این مسیر به‌گونه‌ای طبیعی شکل گرفت، انگار بخشی از وجودم بود که باید کشفش می‌کردم و به آن اجازه شکوفایی می‌دادم.

مهم‌ترین منبع الهام شما در خلق آثار هنری تان چیست؟ آیا سبک خاصی را دنبال می‌کنید؟

من خودم را به سبک خاصی محدود نکرده‌ام و این آزادی یکی از بزرگ‌ترین لذت‌هایم در خلق آثار هنری است. در طول سال‌ها با سبک‌های مختلفی از رئالیسم و امپرسیونیسم گرفته تا آثار انتزاعی و مدرن کار کرده‌ام. هر سبک برایم مانند درچه‌ای جدید به دنیای هنر بوده که به من امکان داده تا جنبه‌های مختلف احساسات و دیدگاه‌هایم را بیان کنم. بااین حال، اگر بخواهم از مهم‌ترین منبع الهامم بگویم، بدون شک دریا را نام می‌برم. دریا با عمق بی‌پایان، رنگ‌های زنده و تغییرات مداومش، همیشه حس تازگی و زندگی را در من بیدار می‌کند. صدای امواج، بازی نور روی آب و حس آزادی‌ای که دریا به من می‌دهد، در بسیاری از آثارم بازتاب پیدا کرده است. علاوه بر این، طبیعت، فرهنگ و حتی حال‌وهوای روزمره زندگی در جزیره کیش نیز الهام‌بخش من هستند.

کدام سبک از آثار تان را بیش از همه دوست دارید و چرا؟ آیا تاکنون نمایشگاهی در جزیره کیش برگزار کرده‌اید؟

از میزان تمام آثاری که خلق کرده‌ام، مجموعه نقاشی‌هایی که با الهام از جزیره کیش خلق شده‌اند، جایگاه ویژه‌ای در قلبم دارند. این مجموعه، که همچنان در حال گسترش است، بازتاب عشق عمیق من به این جزیره و زیبایی‌های بی‌نظیرش است. هر تابلو از این مجموعه، بخشی از داستان کیش را روایت می‌کند؛ از دریا



فیروزه‌ای و آسمان پرستاره‌اش گرفته تا فرهنگ غنی و مردمان گرم این جزیره. این آثار برایم نه‌تنها یک پروژه هنری، بلکه سفری احساسی



به گزارش اقتصاد کیش؛ در دنیای پررنگ و لعاب هنر، جایی که خلاقیت و احساس در هم می‌آمیزند، هنرمندانی از جزیره کیش چون شقایق بهانوی با آثارشان روایت‌گر داستان‌هایی از زیبایی، طبیعت و فرهنگ‌اند. این گرافيست و نقاش که قلبش با رنگ‌ها و قلم‌مو می‌تپد، در جزیره زیبای کیش مسیری الهام‌بخش را در دنیای هنر پیموده است. او با عشقی بی‌پایان به خلق آثار بصری و با الهام از دریای نیلگون خلیج فارس، توانسته جایگاهی ویژه در میان هنرمندان این جزیره به دست آورد. شقایق بهانوی در این گفت‌وگو از مسیر هنری‌اش، منابع الهامش و دیدگاهش درباره چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی هنرمندان کیش سخن می‌گوید. این مصاحبه نه‌تنها پنجره‌ای به دنیای خلاقانه او باز می‌کند، بلکه تصویری روشن از ظرفیت‌های هنری جزیره کیش و نیازهای جامعه هنرمندان آن ارائه می‌دهد.

گفت و گو با این هنرمند را در ادامه بخوانید:

لطفاً درباره خودتان و مسیری که طی کردید تا به جایگاه کنونی به‌عنوان یک هنرمند برسید، برایمان بگویید.

از همان کودکی شیفته دنیای رنگ‌ها و نقاشی بودم. یادم می‌آید که ساعت‌ها با مداد رنگی‌ها و کاغذهای سفید، دنیاهای خیالی خودم را خلق می‌کردم و هر بار که رنگی روی کاغذ می‌نشست، حسی از ششادی و آرامش در من بیدار می‌شد. این علاقه در ۱۵ سالگی به شکلی جدی‌تر دنبال شد، زمانی که تصمیم گرفتم نقاشی را به‌صورت حرفه‌ای آغاز کنم. این تصمیم، نقطه عطفی در زندگی‌ام بود که مرا به سمت مسیری هدایت کرد که امروز در آن ایستاده‌ام. در دانشگاه، رشته گرافیک را انتخاب کردم و این انتخاب، درچه‌ای تازه به دنیای هنرهای بصری برایم گشود. گرافیک به‌من آموخت که چگونه می‌توانم ایده‌ها را در قالب‌هایی کاربردی مانند طراحی لوگو، برندینگ و پوستر به تصویر بکشم. این رشته نه‌تنها مهارت‌هایم را تقویت کرد، بلکه به من اجازه داد تا خلاقیت خود را در مسیری حرفه‌ای‌تر هدایت کنم. در طول سال‌ها، شغل‌های مختلفی را تجربه کردم، از کارهای اداری گرفته تا پروژه‌های غیرمرتبط با هنر، اما هیچ‌کدام نتوانستند آن حس رضایت و معنا را در من ایجاد کنند. در نهایت، تصمیم گرفتم به صدای قلبم گوش کنم و تمام وقت به هنری بپردازم که روحم را تغذیه می‌کرد. حس کردم باید در جایی متفاوت قرار بگیرم؛ جایی دور از تکرار و شبیه هیچ کجا. تصمیم گرفتم با یک کلبه کوچک و چوبی شروع کنم و آن را به پناهگاه هنر تبدیل کنم و نام آن را "زمینه" بنامم. "زمینه" برای من ترکیبی است از زمین، (مادر و آفریننده) و ماه (روشنایی و الهام). است اینجا فضایی است پر از انرژی و جایی برای دیدن، خلق کردن. گالری زمینه جایی است که زمین و ماه به هم می‌رسند، تا روشنایی، خلاقیت و زایش دوباره هنر را یادآوری کنند. برای من،



باشد، مسیرشان به‌مرور خود را نشان خواهد داد. هنر چیزی نیست که بتوان آن را صرفاً از طریق آموزش به دست آورد؛ هنر از درون سرچشمه می‌گیرد و بیانگر روح و احساسات هنرمند است. با این حال، یادگیری تکنیک‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا ایده‌هایشان را بهتر و مؤثرتر به تصویر بکشند. صبر، پشتکار و تمرین مداوم نیز در این مسیر ضروری هستند. به آن‌ها می‌گویم که از شکست‌ها نترسند، زیرا هر چالش، فرصتی برای یادگیری و رشد است.

از نگاه شما مسئولان فرهنگی و هنری جزیره تا چه حد در حمایت از هنرمندان موفق عمل کرده‌اند؟

متأسفانه حمایت‌های رسمی از هنرمندان در کیش به‌اندازه‌ای که انتظار می‌رود، نبوده است. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های هنری و رویدادهای فرهنگی در این جزیره، نتیجه تلاش‌های خودجوش کیشوندان و حمایت‌های مردمی است. این حمایت‌های مردمی ارزشمندند، اما برای شکوفایی کامل جامعه هنری، نیاز به برنامه‌ریزی‌های منسجم‌تر و حمایت‌های ساختاریافته از سوی نهادهای فرهنگی وجود دارد. ایجاد فضاهای نمایشگاهی، بودجه‌های مشخص برای پروژه‌های هنری و فرصت‌هایی برای معرفی هنرمندان کیش در سطح ملی و بین‌المللی می‌تواند تأثیر بزرگی بر رشد این جامعه داشته باشد.

اگر پیشنهادی برای بهبود شرایط و افزایش رضایتمندی هنرمندان جزیره دارید، بفرمایید.

برای بهبود شرایط هنرمندان در کیش، پیشنهاد می‌کنم که گالری‌های دائمی و فضاهای نمایشگاهی در نقاط مختلف جزیره ایجاد شود



تا هنرندان بتوانند آثارشان را به‌صورت مداوم به نمایش بگذارند. همچنین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، جشنواره‌های هنری و رویدادهای مشترک می‌تواند به تقویت ارتباط میان هنرمندان و تسادد ایده‌ها کمک کند. حمایت مالی از پروژه‌های هنری، ایجاد صندوق‌های حمایتی برای هنرمندان جوان و معرفی آثار آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی نیز از دیگر اقداماتی است که می‌تواند به رشد جامعه هنری کیش کمک کند. در نهایت، ایجاد شبکه‌ای از هنرندان

در آینده چه برنامه‌هایی برای مسیر هنری خود دارید؟ آیا پروژه جدیدی در دست دارید؟

در حال حاضر مشغول کار روی یک پروژه بسیار هیجان‌انگیز برای یکی از هتل‌های زیبای جزیره کیش هستم. این پروژه شامل مجموعه‌ای از نقاشی‌هاست که با الهام از زیبایی‌های کیش و المان‌های فرهنگی و طبیعی آن خلق می‌شوند. هدفم این است که در این آثار، روح و هویت جزیره را به تصویر بکشم و تجربه‌ای بصری برای مخاطبان خلق کنم که آن‌ها را به قلب کیش ببرد. علاوه بر این، در نظر دارم در آینده نمایشگاهی از آثارم برگزار کنم تا بتوانم ارتباط نزدیک‌تری با مخاطبانم برقرار کنم و داستان‌هایم را از طریق



کیش برای همکاری و هم‌افزایی می‌تواند این جزیره را به یک مرکز هنری برجسته تبدیل کند.

حرف آخر، اگر نکته‌ای مانده که مایلید بیان کنید، بفرمایید.

از این فرصت برای گفت‌وگو و توجه به هنرمندان جزیره کیش بسیار سپاسگزارم. این توجه نشان‌دهنده اهمیت هنر و فرهنگ در این جزیره است و امیدوارم که این روند ادامه پیدا کند. روزیوم این است که ایران عزیز و به‌ویژه جزیره کیش، روزهایی پر از رنگ، زیبایی و خلاقیت را تجربه کند. امیدوارم که هنرمندان این سرزمین به‌همه هنرمندان با آثاشان، امید و شادی را به دیگران هدیه دهند و جامعه‌ای پر نشاط و پویا بسازند.

خود کرده است. همکاری با او می‌توانست فرصتی بی‌نظیر برای یادگیری، الهام گرفتن و خلق آثاری باشد که نه‌تنها چشم‌نواز، بلکه روح‌نواز باشند.

کمی بیشتر توضیح دهید که چگونه جزیره کیش و زیبایی‌های آن الهام‌بخش شما در خلق آثار تان بوده است؟

بله همانطور که گفتیم جزیره کیش تأثیر عمیقی بر آثارم داشته است. دریا، آسمان صاف، غروب‌های خیره‌کننده و فرهنگ غنی این جزیره، همگی در خلق آثارم نقش داشته‌اند. کیش برای من نه‌فقط یک مکان، بلکه منبعی بی‌پایان از الهام است. رنگ‌های زنده دریا، بازی نور روی امواج و حس آرامشی که در این جزیره جریان دارد، در بسیاری از نقاشی‌هایم بازتاب پیدا کرده‌اند. حتی جزئیات کوچک مانند بافت مرجان‌ها یا رنگ‌های بازارهای محلی کیش، در آثارم حضور دارند و به آن‌ها هویتی منحصربه‌فرد بخشیده‌اند. از نگاه شما بزرگ‌ترین چالش هنرمندان در کیش چیست؟

جزیره کیش با وجود وسعت کوچکش، میزبان هنرمندان بااستعداد و خلاقی در رشته‌های مختلف است. اما یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، دیده نشدن این استعدادها در سطحی گسترده‌تر است. بسیاری از هنرمندان کیش آثار ارزشمندی خلق می‌کنند، اما فرصت‌های کافی برای معرفی و نمایش این آثار در سطح ملی یا بین‌المللی وجود ندارد. به نظر،م اگر بستری برای ارتباط و همکاری میان هنرمندان



فراهم شود، می‌توان شاهد خلق آثاری بی‌نظیر بود. ما هنرمندان مانند قطعات یک پازل هستیم که در کنار هم می‌توانیم یکدیگر را کامل کنیم، رشد کنیم و آثارمان را به مخاطبان بیشتری عرضه کنیم. ایجاد فضاهای مشترک، نمایشگاه‌ها و رویدادهای فرهنگی می‌تواند این چالش را به فرصتی برای شکوفایی تبدیل کند.

در آینده چه برنامه‌هایی برای مسیر هنری خود دارید؟ آیا پروژه جدیدی در دست دارید؟

در حال حاضر مشغول کار روی یک پروژه بسیار هیجان‌انگیز برای یکی از هتل‌های زیبای جزیره کیش هستم. این پروژه شامل مجموعه‌ای از نقاشی‌هاست که با الهام از زیبایی‌های کیش و المان‌های فرهنگی و طبیعی آن خلق می‌شوند. هدفم این است که در این آثار، روح و هویت جزیره را به تصویر بکشم و تجربه‌ای بصری برای مخاطبان خلق کنم که آن‌ها را به قلب کیش ببرد. علاوه بر این، در نظر دارم در آینده نمایشگاهی از آثارم برگزار کنم تا بتوانم ارتباط نزدیک‌تری با مخاطبانم برقرار کنم و داستان‌هایم را از طریق



بوم‌هایم با آن‌ها به اشتراک بگذارم. همچنین، در حال برنامه‌ریزی برای گسترش فعالیت‌هایم در زمینه گرافیک و همکاری با برندهای محلی و بین‌المللی هستم.

چه توصیه‌ای به هنرمندان جوانی که می‌خواهند وارد این مسیر شوند دارید؟

به هنرمندان جوان توصیه می‌کنم که پیش از هر چیز به صدای قلبشان گوش دهند. اگر عشق و اشتیاق واقعی به هنر در وجودشان



آرامش‌بخش و معنوی است. در آن لحظات، احساس می‌کنم آزادم و می‌توانم هر آنچه در درونم است را بدون محدودیت بیان کنم. این حس، یکی از بزرگ‌ترین پاداش‌های زندگی هنری من است. **چگونه به چالش‌های خلاقانه یا مساعی مسیر هنری خود کنار می‌آید؟ آیا شرایط اجتماعی و اقتصادی روی آثار تان تأثیر دارد؟**

چالش‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر هر هنرمندی هستند، چه در خلق آثار و چه در مواجهه با مسائل بیرونی. من معمولاً با شجاعت و پشتکار به دل چالش‌ها می‌روم. اگر در خلق یک اثر به‌بین‌بست برسم، آنقدر با آن کلنجار می‌روم، ایده‌های جدید را امتحان می‌کنم و از زوایای مختلف به آن نگاه می‌کنم تا بالاخره راه‌حلی پیدا کنم. این فرآیند گاهی خسته‌کننده است، اما همیشه به نتیجه‌ای رضایت‌بخش ختم می‌شود. در مورد شرایط اجتماعی و اقتصادی، باید بگویم که این عوامل بی‌تأثیر نیستند. در زمان‌هایی که فضای جامعه پر تنش است یا اخبار منفی غالب می‌شوند، هنر برایم به پناهگاهی تبدیل می‌شود. من به رنگ‌ها و بوم‌هایم پناه می‌برم تا از انرژی منفی اطرافم فاصله بگیرم و آرامش را در خلق آثارم پیدا کنم. به‌نوعی، هنر برایم راهی برای مقاومت در برابر سختی‌ها و بازآفرینی زیبایی در دل ناامیلات است. این رویکرد به من کمک کرده تا حتی در شرایط دشوار، خلاقیتم را حفظ کنم و آثاری خلق کنم که بازتاب‌دهنده امید و زندگی باشند.

اگر قرار باشد با یک هنرمند (زنده یا در گذشته) همکاری کنید، چه کسی خواهد بود و چرا؟

بدون تردید، استاد محمود فرشچیان را انتخاب می‌کنم. آثار او نه‌تنها از نظر تکنیکی بی‌نظیرند، بلکه روح و عمقی دارند که مخاطب را



به سفری درونی می‌برد. وقتی به تابلوهای او نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم وارد جهانی فراتر از واقعیت می‌شوم؛ جهانی که پر از احساس، معنویت و زیبایی است. جزئیات دقیق، ترکیب‌بندی‌های استادانه و حس عمیقی که در آثارش جاری است، مرا مجذوب